

احتمال سومی نیز در تفسیر آیه وجود دارد که اشاره به اذکار خاصی باشد که در روایات اسلامی در این ساعات مخصوص وارد شده است، مثلاً در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق میخوانیم که امام (علیه السلام) فرمود: «بر هر مسلمانی لازم است قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن ده بار این ذکر را بگوید «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر».

ولی به هر حال این تفسیرها منافاتی با هم ندارد، و ممکن است آیه هم اشاره به تسبیحات، و هم اشاره به نمازهای واجب و مستحب در روز و شب باشد، و به این ترتیب تضادی در میان روایاتی که در این زمینه رسیده نخواهد بود، زیرا در بعضی

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۳۹

از روایات به اذکار مخصوص و در بعضی به نماز تفسیر شده است.

ذکر این نکته نیز لازم است که جمله «لعلک ترضی» در واقع نتیجه حمد و تسبیح پروردگار و شکیبائی در مقابل گفته آنها است، چرا که این حمد و تسبیح و نمازهای شب و روز پیوند انسان را با خدا آنچنان محکم می کند که به هیچ چیز جز او نمی اندیشد، از حوادث سخت نمی هراسد، و با داشتن چنین تکیه گاه محکمی از دشمنان و ا همه نمی کند، و به این ترتیب آرامش و اطمینان روح و جان او را پر می کند.

و تعبیر به لعل (شاید) ممکن است اشاره به همان مطلبی باشد که در گذشته نیز در تفسیر این کلمه گفته ایم، و آن این که لعل معمولاً اشاره به شرائطی است که برای گرفتن نتیجه لازم میباشد، فی المثل نماز و ذکر خدا به شرطی مایه چنین آرامشی است که با حضور قلب و آداب کامل انجام گیرد.

ضمناً گرچه مخاطب در این آیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است ولی قرائن نشان می دهد که این حکم جنبه عمومی دارد.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۰

آیه و ترجمه

۱۳۱ و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ءزوجا منهم زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم
فیه و رزق ربک خیر و ءبقی

۱۳۲ و ءمر ءهلک بالصلوة و اصطبر علیها لا نسلک رزقا نحن نرزقک و العقبه
للتقوی

۱۳۳ و قالوا لو لا یتینا بایة من ربه ء و لم تاتهم بینة ما فی الصحف الاولی

۱۳۴ و لو ءنا ءهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لو لا ءرسلت الینا رسولا فنتبع
ءایتک من قبل ءن نذل و نخزی

۱۳۵ قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من ءصحب الصرط السوی و من
اهتدی

ترجمه :

۱۳۱ - و هرگز چشم خود را به نعمتهای مادی که به گروههایی از
آنها داده ایم میفکن که اینها شکوفه های زندگی دنیا است و برای آنست که آنان
را با آن بیازمائیم و روزی پروردگارت بهتر و پاید

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۱

۱۳۲ - و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکیبا باش ما از تو
روزی نمی خواهیم بلکه ما به تو روزی میدهیم و عاقبت نیک برای تقوا است.

۱۳۳ - و آنها گفتند چرا (پیامبر) معجزه و نشانه های از سوی پروردگارش برای
ما نمی آورد بگو آیا خبرهای روشن اقوام پیشین که در کتب آسمانی نخستین
بوده است برای آنها نیامد.

۱۳۴ - و اگر ما آنها را قبل از آن (قبل از نزول قرآن) با عذابی هلاک میکردیم
(در قیامت) میگفتند پروردگارا چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو
پیروی کنیم پیش از آنکه دلیل و رسوا شویم. ۱۳۵ - بگو همه (ما و شما) در
انتظاریم (ما در انتظار وعده پیروزی بر شما هستیم و شما در انتظار شکست
ما) حال چنین است انتظار بکشید اما به زودی میدانید چه کسی از اصحاب
صراط مستقیم است و چه کسی هدایت یافته است.

تفسیر:

در این آیات دستوراتی به پیامبر داده شده که در حقیقت منظور از آن عموم
مسلمانان است، و تکمیلی است برای بحثی که در زمینه «شکیبائی» در
آیات گذشته خواندیم.

«نخست می گوید هرگز چشم خود را به نعمتهای مادی که به گروههایی از آنها (کفار و مخالفان) داده ایم میفکن» (و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجنا منهم).

آری «این نعمتهای ناپایدار که شکوفه های زندگی دنیا است» (زهرة الحیوة الدنیا).

شکوفه هایی که زود میشکند و پژمرده می شود و پریز می گردد و بر روی زمین میریزد، و چند صباحی بیشتر پایدار نمی ماند.

در عین حال «اینها همه برای آن است که ما آنان را با آن بیازمائیم» (لنفتنهم فیه).

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۲

و به هر حال «آنچه پروردگارت به تو روزی داده بهتر و پایدارتر است» (و رزق ربک خیر و ابقى).

خداوند انواع مواهب و نعمتها را به تو بخشیده است، ایمان و اسلام، قرآن و آیات الهی، روزیهای حلال و پاکیزه و سرانجام نعمتهای جاودان آخرت این روزیها پایدارند و جاودانی.

در آیه بعد برای تلطیف روح پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تقویت قلب او میفرماید: «خانواده خود را به نماز دستور ده و خود نیز بر انجام آن شکیبا و پراستقامت باش» (و اءمر اهلک بالصلوة و اصطبر علیها).

چرا که این نماز برای تو و خاندانت مایه پاکی و صفای قلب و تقویت روح و دوام یاد خدا است.

بدون شک ظاهر اهل در اینجا خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بطور کلی است، ولی از آنجا که این سوره در مکه نازل شده در آن زمان مصداق اهل، خدیجه و علی (علیهما السلام) بوده اند، و ممکن است بعضی دیگر از نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز شامل شود، ولی با گذشت زمان دامنه خاندان پیامبر گسترده شد.

سپس اضافه می کند اگر دستور نماز به تو و خاندانت داده شده است منافع و برکاتش تنها متوجه خود شما است ما از تو روزی نمی خواهیم بلکه به تو روزی می دهیم» (لا نسئلك رزقا نحن نرزقک).

این نماز چیزی بر عظمت پروردگار نمی افزاید، بلکه سرمایه بزرگی برای تکامل شما انسانها و کلاس عالی تربیت است.

یا به تعبیر دیگر خداوند همچون پادشاهان و امیران نیست که از ملت خود باج می‌گرفتند و زندگی خود و اطرافیان را اداره میکردند، خداوند از همگان بینياز است و همگان به او نیازمند.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۳

در حقیقت این تعبیر شبیه همان چیزی است که در سوره ذاریات آیه ۵۶-۵۸ وارد شده است «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون و ما ارید منهم من رزق و ما ارید ان يطعمون ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین»: من جن و انس را نیافریدم مگر بخاطر اینکه عبادتم کنند، من از آنها روزی نمی‌طلبم، و نمی‌خواهم طعام دهند، خداوند روزی دهنده همگان است و صاحب قدرت مستحکم».

و به این ترتیب نتیجه عبادات مستقیما به خود عبادت کنندگان بازمی‌گردد. و در پایان آیه اضافه می‌کند «عاقبت و سرانجام نیک از آن تقوا است»

(و العاقبة للتقوى).

آنچه باقی میماند و سرانجامش مفید و سازنده و حیاتبخش است همان تقوا و پرهیزکاری است، پرهیزکاران سرانجام پیروزند و بیتقوایان محکوم به شکست. این احتمال در تفسیر جمله اخیر نیز وجود دارد که هدف آن تاکید در زمینه روح تقوا و اخلاص در عبادات است، چرا که اساس عبادت همین است، در آیه ۳۷ سوره حج، میخوانیم: «لن ینال الله لحومها ولا دماؤها و لكن یناله التقوى منکم»: «گوشتهای حیوانات قربانی و خونهای آنها به خدا نمی‌رسد، ولی تقوای شما به او میرسد» آنچه به مقام قرب او از اعمال شما واصل می‌گردد پوسته و ظاهر آن نیست، بلکه مغز و باطن و اخلاصی که در آن است به مقام قربش راه می‌یابد.

آیه بعد به یکی از بهانه‌جوئیهای کفار اشاره کرده می‌گوید: «آنها گفتند چرا پیامبر معجزه‌های از سوی پروردگارش - آنچنان که ما می‌خواهیم - نمی‌آورد»

(و قالوا لو لا یتینا بایة من ربه).

بلافاصله به آنها پاسخ می‌گوید: «آیا خبرهای روشن اقوام پیشین که

در کتب آسمانی گذشته بوده است برای آنها نیامده»؟ (که پیدرپی برای آوردن معجزات بهانه‌جوئی میکردند و پس از مشاهده معجزات به کفر و انکار ادامه میدادند و عذاب شدید الهی دامنشان را میگرفت، آیا نمی‌دانند اگر اینها نیز همین راه را بروند همان سرنوشت درانتظارشان است) (او لم تاتهم بینة ما فی الصحف الاولی).

این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که منظور از «بینة» خود قرآن است که بیانگر حقایق کتب آسمانی گذشته در سطحی عالیتراست، آیه فوق می‌گوید: اینها چرا معجزه میطلبند و بهانه‌جوئی میکنند مگر همین قرآن با این امتیازات بزرگ که حاوی حقایق کتب آسمانی پیشین است برای آنها کافی نیست.

تفسیر دیگری نیز برای این آیه گفته شده و آن اینکه پیامبر اسلام با اینکه درس نخوانده بود آنچنان کتاب روشن و آشکاری آورده که با آنچه در متون کتب آسمانی بوده هماهنگ است، و این خود نشانه بر اعجاز آن میباشد، بعلاوه صفات پیامبر و کتابش با نشانه‌هایی که در کتب آسمانی پیشین آمده است کاملاً تطبیق می‌کند، و این دلیل حقانیت او است. به هر حال این بهانه‌جویان مردمی حق طلب نیستند بلکه دائماً در فکر بهانه‌گیری تازه‌ای میباشد حتی «اگر ما آنها را قبل از نزول این قرآن و آمدن پیامبر اسلام مجازات و هلاک میکردیم در قیامت میگفتند پروردگارا چرا پیامبری برای ما نفرستادی، تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه دلیل رسوا شویم»؟!

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۵

(و لو انا اهلکناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لو لا ارسلت الینا رسولاً فنتبع آیاتک من قبل ان نذل و نخزی).

ولی اکنون که این پیامبر بزرگ با این کتاب با عظمت به سراغ آنها آمده هر روز سخنی می‌گویند و برای فرار از حق بهانه‌های می‌تراشند.

به آنها اخطار کن و «بگو همه ما و شما در انتظاریم» (قل کل متربص).

ما انتظار وعده‌های الهی را در مورد شما داریم، شما هم در انتظار این هستید که مشکلات و مصائب دامن ما را بگیرد.

«اکنون که چنین است در انتظار باشید» (فتربصوا).

«اما به زودی خواهید دانست چه کسانی اهل راه مستقیم و آئین حقند و چه

کسانی به منزلگاه حق، و نعمت جاودان الهی هدایت یافتند(فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی).

و با این جمله قاطع و پرمعنی گفتگوی خود را با این منکران لجوج و بهانه‌جو در اینجا پایان می‌دهد.

خلاصه از آنجا که این سوره در «مکه» نازل شده، و در آن زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان تحت فشار شدیدی از ناحیه دشمنان قرار داشتند خداوند در پایان این سوره به آنها دل‌داری می‌دهد: گاه می‌گوید: اموال و ثروت‌های آنها که سرمایه زودگذر این دنیا است و برای آزمایش و امتحان است چشم شما را بخود متوجه نکند. و گاه دستور به نماز و استقامت می‌دهد تا نیروی معنوی آنان را در برابر انبوه دشمنان تقویت کنند.

و سرانجام به مسلمانان بشارت می‌دهد که این گروه اگر ایمان نیاورند

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۶

سرنوشت شوم و تاریکی دارند که باید در انتظار آن باشند. پروردگارا! ما را از هدایت‌یافتگان و اصحاب صراط مستقیم قرار ده. خداوند! به ما آن قدرت و شهادت عطا فرما که نه از انبوه دشمنان بترسیم، و نه از حوادث سخت و مشکلات در هراس بیفتیم. روح لجاجت و بهانه‌جوئی را از ما بگیر و توفیق پذیرش حق را به ما مرحمت کن.

پایان سوره طه

پنجشنبه ۲۰ جمادی الثانیه (روز میلاد مسعود بانوی اسلام فاطمه زهرا(علیهاالسلام) سال ۱۴۰۲ هجری قمری

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴۷

سوره انبیاء

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده، و دارای ۱۱۲ آیه است
(آغاز جزء هفدهم قرآن مجید)

فضیلت سوره انبیاء

از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در فضیلت تلاوت این سوره چنین نقل شده: من قرء سورة الانبياء حاسبه الله حسابا يسيرا، و صافحه و سلم عليه كل نبی ذکر اسمه فی القرآن: هر کس سوره انبیاء را بخواند خداوند حساب او را آسان می کند (و در محاسبه اعمالش روز قیامت سختگیری نخواهد کرد) و هر پیامبری که نام او در قرآن ذکر شده با او مصافحه کرده و سلام میفرستد. و از امام صادق (علیه السلام) میخوانیم: من قرء سورة الانبياء حبا لها كان كمن رافق النبيين اجمعين في جنات النعيم، و كان مهيبا في اعين الناس حياة الدنيا: هر کس سوره انبیاء را از روی عشق و علاقه بخواند، با همه پیامبران در باغهای پر نعمت بهشت، رفیق و همنشین می گردد، و در زندگی دنیا نیز در چشم مردم پر ابهت خواهد بود).

جمله «حبا لها» (از روی عشق و علاقه به این سوره) در واقع کلیدی است برای فهم معنی روایاتی که در زمینه فضیلت سوره های قرآن به ما رسیده، یعنی هدف تنها تلاوت و خواندن الفاظ نیست، بلکه عشق به محتوی است و مسلما عشق به محتوی بدون عمل معنی ندارد و اگر کسی چنین ادعائی کند که من عاشق فلان سوره ام، اما عملش برضد مفاهیم آن باشد دروغ می گوید. بارها گفته ایم قرآن کتاب عقیده و عمل است و خواندن مقدمه های است برای اندیشیدن، و اندیشیدن مقدمه های است برای ایمان و عمل!.

محتوای سوره

۱ - این سوره چنانکه از نامش پیدا است، سوره پیامبران است، چرا که نام شانزده پیامبر، بعضی، با ذکر فرازهایی از حالاتشان و بعضی تنها به صورت اشاره در این سوره آمده است (موسی - هارون - ابراهیم - لوط - اسحاق - یعقوب - نوح - داود - سلیمان - ایوب - اسماعیل - ادريس - ذا الكفل - ذا النون (یونس) - زکریا و یحیی (علیهما السلام)).

بنابراین تکیه بحثهای مهم این سوره بر روی برنامه های انبیاء است. علاوه بر اینها پیامبران دیگری هستند که نامشان صریحا در این سوره برده نشده ولی پیرامون آنها سخنی آمده است (مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و

آله و سلم) و حضرت مسیح) .

۲ - از این گذشته ویژگی سوره‌های مکی که از عقائد دینی، مخصوصا از مبدء و معاد سخن می‌گویند، کاملا در این سوره منعکس است.

۳ - در این سوره از وحدت خالق و اینکه جز او معبود و آفریدگاری نیست و نیز از آفرینش جهان بر اساس هدف و برنامه، و وحدت قوانین حاکم بر این عالم و همچنین وحدت سرچشمه حیات و هستی، و نیز وحدت موجودات در برنامه فنا و مرگ، بحث به میان آمده است.

۴ - بخش دیگری از این سوره، از پیروزی حق بر باطل، توحید بر شرک و لشکریان عدل و داد بر جنود ابلیس، سخن گفته شده است.

۵ - جالب اینکه این سوره با هشدارهای شدید نسبت به مردم غافل و بیخبر از حساب و کتاب آغاز شده، و پایان آن نیز با هشدارهای دیگری در این زمینه تکمیل می‌گردد.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۰

پیامبرانی که نامشان در این سوره آمده بعضا بیان زندگی و برنامه‌های مشروحشان در سوره‌های دیگر ذکر شده است ولی در این سوره بیشتر روی این بخش از حالات انبیاء تکیه شده که آنها هنگامی که در تنگناهای سخت گرفتار میشدند چگونه دست توسل به دامن لطف حق میزدند و چگونه خداوند این بنبست‌ها را بر آنها میگشود و از طوفان و گرداب نجاتشان می‌بخشید.

«ابراهیم» به هنگامی که در آتش نمرود گرفتار شد.

«یونس» هنگامی که در شکم ماهی فرو رفت.

«زکریا» هنگامی که آفتاب عمر خود را نزدیک به غروب دید ولی جانشینی نداشت که برنامه‌هایش را تکمیل کند.

و همچنین سایر پیامبران به هنگام گرفتاری در طوفانهای سخت.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۱

آیه ۱ - ۵

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ اقترَب للناس حسابهم و هم فی غفلة معرضون.
 ۲ ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون.
 ۳ لاهیة قلوبهم و اءسروا النجوى الذین ظلموا هل هذا الا بشر مثلکم اءفتاتون
 السحر و اءنتم تبصرون.
 ۴ قال ربی یعلم القول فی السماء و الارض و هو السميع العليم.
 ۵ بل قالوا اءضغت اءحلم بل افترئه بل هو شاعر فلیاتنا بایة کما اءرسل الاولون
 ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - حساب مردم به آنها نزدیک شده اما آنها در غفلتند و رویگردانند!
 ۲ - هر یادآوری تازهای از طرف پروردگارشان برای آنها بیاید با لعب و شوخی
 به آن گوش فرامیدهند.
 ۳ - در حالی که قلوبشان در لهو و بیخبری فرو رفته است، و این ستمگران
 پنهانی نجوی میکنند (و می گویند) آیا جز اینست که این یک بشری همچون
 شماست؟ آیا شما به سراغ سحر میروید با اینکه می بینید؟!

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۲

۴ - (اما پیامبر) گفت پروردگار من همه سخنان را چه در آسمان باشد و چه
 در زمین میداند و او شنوا و داناست.
 ۵ - آنها گفتند (آنچه را محمد آورده وحی نیست) بلکه خوابهای آشفته است،
 اصلا او به دروغ آنرا به خدا بسته، نه او یک شاعر است! (اگر راست می گوید)
 باید معجزهای برای ما بیاورد، همانگونه که پیامبران پیشین با معجزات
 فرستاده شدند .

تفسیر:

بهانه های رنگارنگ

این سوره - همانگونه که اشاره کردیم - با یک هشدار نیرومند به عموم مردم
 آغاز می شود، هشدارى تکاندنده و بیدارکننده، می گوید: «حساب مردم به
 آنها نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند» (اقترَب للناس
 حسابهم و هم فی غفلة معرضون).

عمل آنها نشان می دهد که این غفلت و بیخبری سراسر وجودشان را گرفته
 است، و گر نه چگونه ممکن است انسان ایمان به نزدیکی حساب، آنها را از
 حساسبگری فوق العاده دقیق، داشته باشد و اینچنین همه مسائل را سرسری

بگیرد و آلوده هر گونه گناه باشد؟.

کلمه «اقترب» تاکید بیشتری از قرب دارد، و اشاره به این است که این حساب بسیار نزدیک شده.

تعبیر به «ناس» گر چه ظاهراً عموم مردم را شامل می شود و دلیل بر آن است که همگی در غفلتند ولی بدون شک همیشه موقعی که سخن از توده مردم گفته می شود استثنائاتی وجود دارد، و در اینجا گروه بیداردلی را که همیشه در فکر حسابند و برای آن آماده میشوند باید از این حکم مستثنی دانست.

جالب این که می گوید حساب به مردم نزدیک شده، نه مردم به حساب، گوئی حساب با سرعت به استقبال مردم میدود! ضمناً فرق میان غفلت و اعراض ممکن است از این نظر باشد که

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۳

آنها از نزدیکی حساب غافلند، و این غفلت سبب می شود که از آیات حق اعراض کنند در حقیقت «غفلت از حساب» علت است، و «اعراض از آیات حق» معلول آن، و یا منظور اعراض از خود حساب و آمادگی برای پاسخگوئی در آن دادگاه بزرگ است، یعنی چون غافلند خود را آماده نمی کنند و رویگردان می شوند.

در اینجا این سؤال پیش می آید که نزدیک شدن حساب و قیامت به چه معنی است؟

بعضی گفته اند: منظور آن است که باقیمانده دنیا در برابر آنچه گذشته کم است، و به همین دلیل رستاخیز نزدیک خواهد بود (نزدیک نسبی) به خصوص اینکه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: بعثت انا و الساعة کهاتین! بعثت من و روز قیامت مانند این دواست! (اشاره به انگشت سبابه و وسطی که در کنار هم قرار دارند فرمود).

بعضی دیگر گفته اند: این تعبیر به خاطر بودن رستاخیز است، همانگونه که در ضرب المثل معروف عرب میخوانیم: کل ما هو آت قریب (هر چه قطعاً می آید نزدیک است).

در عین حال این دو تفسیر منافاتی با هم ندارند و ممکن است آیه اشاره به هر دو نکته باشد.

بعضی از مفسران مانند «قرطبی» این احتمال را نیز داده که «حساب»

در اینجا اشاره به «قیامت صغری» یعنی مرگ است، زیرا به هنگام مرگ نیز قسمتی از محاسبه و جزای اعمال به انسان میرسد. ولی ظاهراً آیه فوق ناظر به قیامت کبری است.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۴

آیه بعد یکی از نشانه‌های اعراض و رویگردانی آنها را به این صورت بیان می‌کند: هر ذکر و یادآوری تازه پروردگار که به سراغ آنها بیاید با شوخی و بازی و لعب به آن گوش فرامیدهند! (ما یاتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه و هم یلعبون).

هرگز نشده است که در برابر سوره یا آیه، و خلاصه سخن بیدارکننده‌های از ناحیه پروردگار، به طور جدی با آن برخورد کنند، ساعتی در آن بیندیشند و حداقل احتمال بدهند که این سخن در حیات و سرنوشت آنها اثر دارد آنها نه به حساب الهی فکر میکنند و نه به هشدارهای پروردگار.

اصولاً یکی از بدبختیهای افراد جاهل و متکبر و خودخواه این است که همیشه نصائح و اندرزهای خیراندیشان را به شوخی و بازی میگیرند، و همین سبب می‌شود که هرگز از خواب غفلت بیدار نشوند، در حالی که اگر حتی یکبار به صورت جدی با آن برخورد کنند چه بسا مسیر زندگانی آنها در همان لحظه تغییر پیدا می‌کند.

کلمه «ذکر» در آیه فوق اشاره به هر سخن بیدارکننده است، و تعبیر به «محدث» (تازه و جدید) اشاره به این است که کتب آسمانی، یکی پس از دیگری نازل می‌گردد و سوره‌های قرآن و آیات آن هر کدام محتوای تازه و نوی دارد، که از طرق مختلف برای نفوذ در دلهای غافلان وارد می‌شود، اما چه سود برای کسانی که همه اینها را به شوخی میگیرند.

اصولاً گویا آنها از تازمها وحشت دارند، با همان خرافات قدیمی که از نیاکان خود به ارث برده‌اند دل خوش کرده‌اند، گوئی پیمان جاودانه بسته‌اند که با هر حقیقت تازه‌ای مخالفت کنند، در حالی که اساس قانون تکامل بر این است که هر روز انسان را با مسائل تازه و نوینی مواجه میسازد.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۵

باز برای تاءکید بیشتر می‌گوید: آنها در حالی هستند که دلهایشان در لهو

وبیخبری فرو رفته است (لاهیة قلوبهم).

زیرا آنها از نظر ظاهر همه مسائل جدی را لعب و بازی و شوخی میپندارند (چنانکه جمله یلعبون به صورت فعل مضارع و مطلق به آن اشاره می کند) و از نظر باطن گرفتار لهو و اشتغال فکر به مسائل بیارزش و غافل کننده هستند. و طبیعی است چنین کسانی هرگز راه سعادت رانخواهند یافت. بعد به گوشه های از نقشه های شیطانی آنها اشاره کرده میفرماید: این ظالمان گفتگوهای درگوشی خود را که برای توطئه انجام میدهند پنهان میدارند، و می گویند این یک بشر عادی همچون شما است (و اسروالنجوی الذین ظلموا هل هذا الا بشر مثلکم).

حال که او یک بشر عادی بیش نیست لابد این کارهای خارق العاده او و نفوذ سخنش چیزی جز سحر نمی تواند باشد آیا شما به سراغ سحرمیروید با اینکه میبینید؟! (ا فتاتون السحر و انتم تبصرون).

گفتیم این سوره در «مکه» نازل شده، و در آن ایام دشمنان اسلام کاملاً نیرومند بودند، پس چه لزومی داشت که سخنان خود را مخفی کنند، حتی نجواهایشان را، (توجه داشته باشید که قرآن می گوید سخنان درگوشی را پنهان می کردند).

این ممکن است به خاطر آن باشد که آنها در مسائلی که جنبه توطئه و نقشه داشت به مشورت میپرداختند تا در برابر توده مردم با طرح واحدی در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بایستند.

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۶

بعلاوه آنها از نظر قدرت و زور مسلماً جلو بودند ولی از نظر منطق و قدرت نفوذ کلام، برتری با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان بود، و همین برتری سبب میشد که آنها برای انتخاب برچسبها و پاسخهای ساختگی در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مشورتهای نهانی بنشینند.

به هر حال آنها در این گفتارشان روی دو چیز تکیه داشتند، یکی بشربودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگری برچسب سحر، و در آیات بعد برچسبهای دیگری نیز خواهد آمد که قرآن به پاسخ آنها می پردازد.

ولی قرآن نخست به صورت کلی به آنها از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین پاسخ می گوید: «پروردگار من هر سخنی چه در آسمان باشد و چه در زمین میداند»

(قال ربی یعلم القول فی السماء و الارض).

چنین تصور نکنید که سخنان مخفیانه و توطئه‌های پنهانی شما بر او مخفی باشد، «چرا که او هم شنوا است و هم دانا» (و هو السميع العليم). او همه چیز را میداند و از همه کار با خبر است، نه تنها سخنان رامیشنود، از اندیشه‌هایی که از مغزها میگذرد، و تصمیمهایی که در سینه‌ها پنهان است آگاه است.

بعد از ذکر دو قسمت از بهانه جوئیهای مخالفان، به چهار قسمت دیگر از آن پرداخته چنین می‌گوید: «آنها گفتند آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان وحی آورده خوابهای آشفته و پراکندهای بیش نیست» که او آنها را حقیقت و واقعیت میپندارد! (بل قالوا اضغاث احلام).

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵۷

و گاه این سخن خود را عوض میکنند و می‌گویند: «او مرد دروغگوئی است که این سخنان را به خدا افترا بسته»! (بل افتراه). و گاه می‌گویند: «نه او یک شاعر است و این آیات مجموعه‌ای از تخیلات شاعرانه او است» (بل هو شاعر). و در آخرین مرحله می‌گویند: از همه اینها که بگذریم «اگر او راست می‌گوید که فرستاده خدا است باید معجزه‌های برای ما بیاورد همانگونه که پیامبران پیشین با معجزات فرستاده شدند» (فلیاتنا بایة کما ارسل الاولون).

